

صحيفة الحسين عليه السلام

[23] ابن زیاد می خواست وانمود کند که هرکس برحسب ظاهر در جبهه نظامی شکست

بخورد، رسوا شده است زیرا اگر او بحق بود در جبهه نظامی غالب می شد، حضرت زینب که دیدگاه او را خوب می دانست، با این سخنان اعلام کرد که معیار شرف و فضیلت، حقیقت جویی و حقیقت طلبی است، نه قدرت ظاهری، و کسی که در راه خدا شهید شده رسوا نمی شود، بلکه رسوا کسی است که ظلم و ستم کند و از حق منحرف شود. خطبه حضرت زینب (علیها السلام) در کوفه مرکز حکومت حضرت علی (علیه السلام) و مرکز شیعیان آن حضرت بود، مردم کوفه اگرچه خواهان حکومت عدل اسلامی هستند ولی طالب زندگی مادی و ثروت و ریاستند و نمی خواهند بدنبال چیزی روند که با منافعشان در خطر است. پسر پیامبر خدا را با شور و حرارت به شهر خود دعوت کردند، ولی آنگاه که بسوی آنان آمد و دعوتشان را پذیرفت بخاطر ترس از حکومت، پسر پیامبرشان را یکه و تنها در آن وادی مرگبار رها ساختند، او را بسوی خود فرا خواندند ولی آنگاه که بسویشان آمد کمر به قتل او بستند و خون پاکش را بر زمین ریختند. این اولین خیانت ایشان نبود، با پدرش علی مرتضی (علیه السلام) و برادرش حسن مجتبی (علیه السلام) نیز چنین کردند، تا آنجا که علی (علیه السلام) آروزی مرگ خود را کرد و از خداوند خواست

حجاج بن یوسف ثقفی را بر ایشان